

کارگران زندانی باید آزاد شوند



جعفر عظیم زاده



بهنام آزاد



عبدالرضا فتبری



محمد جراحی



رسول بداغی



جمیل محمدی



واحد سیده



محمد مولانایی



یوسف آب خرابات

بازنده اول مه جمهوری اسلامی بود

اصغر کریمی

معترض بود. قوایشان را بسیج کردند، دهها نفر را دستگیر کردند و جلو تجمعات را گرفتند اما بازنده بودند.

جمهوری اسلامی با حمله به بند ۳۵۰ زندان اوین به مقابله با فضای پرشور روزهای قبل از اول مه رفت، اما مقاومت زندانیان و خانواده هایشان آنرا به عکس خود تبدیل کرد و رژیم بازنده این

صفحه ۲

توسط جمهوری اسلامی که همه اقتدارش را بر رخ کارگران کشید. نه فقط به رخ آنها که تلاش کردند روز اول مه تجمع کنند بلکه به دهها میلیون کارگر و به کل جامعه ای که مترصد بیزیر کشیدن این حکومت است. قرق کردن خیابانها و مکان های اول مه و احضارها و دستگیری ها، نشان دادن چنگ و دندان حکومت به میلیون ها مردم

اول مه امسال يك بار دیگر صف بندی کارگران و مردم در برابر حکومت اسلامی را جلو چشم گذاشت. در يك سو شاهد تحرك کارگران و تشکل هایشان بودیم که با بیانیه ها و فراخوان هایشان به استقبال اول مه رفتند و شاهد حضور پرشور مردم در کانال جدید به مناسبت روز جهانی کارگر و از طرف دیگر فضای بگیر و ببند و تهدید و احضار

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۵

جمعه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲ مه ۲۰۱۴

یادداشت های هفته

حمید تقوایی

کارگران در برابر "سرمایه متدین"!

جمهوری اسلامی قاتل زنجیره ای است!

سکولاریسم، گام اول مذهب زدائی!

صفحه ۶

اول مه ۹۳

شهلا دانشفر

صفحه ۴

حکومت نظامی در نقاطی از تهران و اصفهان!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

تصاویری از برگزاری اول مه روز جهانی کارگر در نقاط مختلف دنیا

صفحه ۳

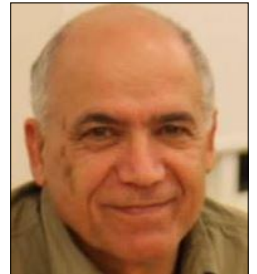
اعتراضات گسترده علیه حمله به بند ۳۵۰ اوین و درسهای آموزنده اش

شهلا دانشفر

صفحه ۱۲

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

بازنده اول مه جمهوری اسلامی بود



زنان تا آزادی های سیاسی و لغو مجازات اعدام، از کودکان تا بازنشستگان، از کارگران مهاجر تا زندانیان سیاسی را برافراشتند و گام دیگری به جلو آمدند.

و بالاخره جسارت و عزم راسخ کارگران و بویژه رهبران را باید مورد تاکید قرار داد که تردیدی نداشتند که با تجمع در روز اول مه مورد ضرب و شتم قرار میگیرند و دستگیر میشوند اما علیرغم همه تهدیدها و احضارها و حضور نیروهای اوباش حکومت، دست به تجمع زدند. جمهوری اسلامی نیز تردیدی نداشت که اگر کمی شل بگیرد و خیابان ها را قرق نکند و فضا را امنیتی نکند، در هر شهر و میدانی هزاران نفر از مردم خشمگین و به جان آمده دست به تجمع میزنند و در آنصورت اولین شعارشان مرگ بر خامنه ای و حکومت اسلامی خواهد بود.

در روز جهانی کارگر تجمعات و راهپیمایی های هزاران نفر برگزار نشد، سخنرانی های آتشین ایراد نشد، پلاکاردها در خیابانها افراشته نشد اما آنچه اتفاق افتاد، گوشه ای از پتانسیل عظیم طبقه کارگر برای رهائی خود و جامعه از چنگال حکومت و طبقه مفتخور حاکم بود. تلاش های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی این پتانسیل را بیش از پیش به کل جامعه نشان داد و اقتدار رو به زوال حکومت بیش از پیش نمایان شد.

شعله های آتش خشم مردم زبانه میکشید. تهدیدها، دستگیری ها و ضرب و شتم ها، حمله به زندانیان و اعدام ها دیگر مرعوب کننده نیست، شعله های خشم را باد میزند و طوفان به راه می اندازد. با تمام قوا به استقبال این شرایط باید رفت، خواست های اول مه را باید پی گرفت، برای آزادی رهبران کارگری و سایر زندانیان سیاسی قاطعانه به میدان آمد و سازماندهی کارگران و مردم آماده برای سرنگونی را فعال تر از همیشه در دستور گذاشت.*

جنایت شد و مجبور شد رئیس زندانها را برکنار کند. درمورد اعدام ریحانه نیز همین اتفاق افتاد و یک بی آبرویی دیگر برای حکومت و سیستم قضائی نصیب شد. اینها شاخص هائی از اوضاع سیاسی پرتحول ایران است. فضای پرشور بینندگان کانال جدید در یک ماه گذشته و اعلام آمادگی برای حضور فعال در اول مه گوشه ای دیگر از این فضای پربار سیاسی جامعه بود.

یکی از مهمترین پیشروی های طبقه کارگر در ایران در دهه اخیر، جلو آمدن طیفی گسترده از رهبران کارگری بوده است. و هر دستگیری و شکنجه آنها نه تنها کارگران را عقب نرانده و نه تنها این سنت بسیار مهم را تضعیف نکرده است، بلکه تعداد بیشتری را به جلو صحنه کشانده است. دستگیری ها و احضارهای روزهای اخیر تعداد بیشتری از رهبران کارگری را به جامعه نشان داد یعنی حکومت با پای خودش موقعیت رهبران کارگری را در صف اول مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران تحکیم کرد. و این بر متن فضای تعرضی جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی اتفاق می افتد.

قطعنامه های متعدد و غنی شکل های کارگری به مناسبت اول مه یک پیشروی دیگر برای کارگران و مردم بود. همین شکل ها علیرغم هر اشکالی و علیرغم هزار محدودیت که بر سر راه آنها است، علیرغم ممنوعیت آنها و زیر ضرب بودن دائم رهبران و فعالین شان ولی بیشتر شناخته شدند و با خواست هایشان پرچم بخش مهمی از مطالبات مردم، از

بهنام ابراهیم زاده و باقی زندانیان منتقل شده به انفرادی ۲۴۰، به بند ۳۵۰ بازگردانده شدند

این بند کماکان خواهان پاسخگویی دولت بخاطر حمله وحشیانه ۲۸ فروردین به این بند هستند.

خانواده های زندانیان سیاسی در تجمعات اعتراضی خود با محکوم کردن حمله به بند ۳۵۰ و با شعار زندانیان سیاسی آزاد باید گردد خواستار آزادی عزیزان خود از زندان شدند.

همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید از زندان آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲ مه ۲۰۱۴

این زندانیان بدنبال ضرب و شتمی شدید توسط نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی از ۲۸ فروردین به انفرادی های ۲۴۰ منتقل شده بودند و آسیب های شدید جسمی دیده اند. یک خواست فوری آنان و خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ بازگرداندن آنها به بند و قرار دادنشان تحت درمان بود.

از جمله هم اکنون محمد صدیق کبودوند و بهزاد عرب گل به دلیل وخامت حالشان در بهداری به سر می برد.

خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ و زندانیان سیاسی

روز ۱۱ اردیبهشت پس از گذشت دو هفته از حمله ددمنشانه رژیم اسلامی به بند ۳۵۰ اوین و ضرب و شتم زندانیان سیاسی و انتقال تعدادی از آنان به انفرادی های بند ۲۴۰، سرانجام تمامی افراد منتقل شده به بند ۳۵۰ بازگردانده شدند. بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری و نیز سعید متین پور، سهیل بابادی، امید زارعی نژاد، سمکو خلقتی، غلامرضا خسروی، محمد شجاعی، محمد امین هادوی و بهزاد عرب گل زندانیانی هستند که در این روز به بند ۳۵۰ بازگردانده شده اند.

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

حکومت نظامی در نقاطی از تهران و اصفهان!

حمله به تجمع اول مه در مقابل وزارت کار و دستگیری فعالین کارگری در تهران!

تهران:

طبق گزارشاتی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، جمهوری اسلامی با قرق کردن مسیر میدان انقلاب تا میدان آزادی عملاً حکومت نظامی اعلام نشده ای در این مسیر حاکم کرد تا مانع تجمع کارگران و مردم شوند. طبق این گزارش نیروی انتظامی، مزدوران لباس شخصی و حتی ماموران راهنمایی و رانندگی را بسیج کرده بودند تا جلو هر حرکتی را بگیرند. علیرغم همه این تدابیر دهها نفر از کارگران در ساعت ۱۰ صبح که از قبل اعلام شده بود، مقابل وزارت کار تجمع کردند و هنگامیکه پروین محمدی و شاهپور احسانی راد از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مشغول باز کردن پلاکارد اول مه بودند حمله قرار گرفتند. شاپور احسانی راد را مورد ضرب و شتم قرار دادند و او و پروین محمدی را دستگیر کردند. همزمان تعداد دیگری از کارگران حاضر در محل نیز توسط سرکوبگران دستگیر شدند و بدین ترتیب جمعیت را متفرق کردند. طبق این گزارش مردم در خیابان های اطراف حضور داشتند تا خود را به مقابل وزارت کار برسانند

اما حضور نیروهای رژیم و دستگیری ها مانع پیوستن مردم به تجمع مقابل وزارت کار شد. گفته میشود که مزدوران حکومت هر عابری در این منطقه را مورد سوال و جواب قرار میدادند و شب قبل نیز وزارت اطلاعات به تعداد زیادی از صاحبان تلفن های موبایل پیامی مخابره کرده بود که هر کس روز پنجشنبه در تظاهرات شرکت کند، مورد پیگرد قرار خواهد گرفت. لازم به یادآوری است که نیمه شب سه شنبه جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی از اعضای هیئت مدیره اتحاد آزاد کارگران ایران و هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا را دستگیر کردند و در سنجند نیز ۱۲ نفر را روز چهارشنبه و روزهای قبل از آن احضار و تهدید کرده بودند تا در تجمعات اول مه شرکت نکنند.

حزب کمونیست کارگری به عزم راسخ و شهامت این کارگران درود میفرستد و حمله به تجمع اول مه و دستگیری شرکت کنندگان در این تجمع را شدیداً محکوم میکند.

اصفهان:

طبق گزارش دیگری از اصفهان، تعدادی از کارگران شاغل و بازنشسته ذوب آهن خود را

طبق برنامه قبلی به مقابل استانداری رساندند تا مراسم اول مه را برپا کنند. طبق گزارشی که به ما رسیده است، فضا چنان امنیتی بوده که امکان تجمع پیدا نمیکند. کارگران تلاش میکنند گردنه ذوب آهن را ببندند و مراسم خود را برپا کنند که با حضور وسیع نیروی انتظامی این اقدام نیز عملی نمیشود.

زنده باد اول مه
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۱ مه ۲۰۱۴

جمهوری اسلامی به تجمع اول مه کارگران شرکت واحد تهران حمله کرد

اطلاعیه شماره ۲ اول مه در ایران

طبق گزارشی که توسط فعالین سندیکای شرکت واحد تهران منتشر شده است، ظهر امروز ۱۱ اردیبهشت مراسم کارگران سندیکای شرکت واحد در میدان آزادی مورد یورش لباس شخصی ها قرار گرفت. شرکت کنندگان در این مراسم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و آن ۲۳ نفر از رانندگان و اعضای سندیکای شرکت واحد تهران که در این مراسم حضور داشتند دستگیر شدند. اسامی ۱۸ نفر از دستگیر شدگان به این شرح است: ابراهیم مددی، حسن سعیدی، اکبر نظری، مرتضی کمساری، وحید فریدونی، امیر تاختیری، محمد قاسمی، بهرام اکبری، سید رسول طالب مقدم، محسن حسینی تبار، علیرضا توسلی، ناصر

محرم زاده، سید داود سید فاطمی، علی پور کرمی، نقی کریمی، محمد سالاری، عبدالله ایراندوخت و خانم شیرینی دستگیر و با ضرب و شتم به اوین منتقل شدند. خانم شیرینی ساعتی پس از دستگیری آزاد شد. قرار بود کارگران شرکت واحد مراسم خود را برگزار کنند و به همکاران خود گل و شیرینی بدهند. دستگیری گسترده کارگران در روز اول مه، قرق کردن خیابان ها توسط نیروهای سرکوبگر، احضارها و دستگیری های روز قبل و سایر اقدامات جمهوری اسلامی ابعاد گسترده تحرکت کارگران برای برگزاری مراسم اول مه را عیان میکند. بازنده امروز جمهوری اسلامی است.

زنده باد اول مه
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳،
۱ مه ۲۰۱۴



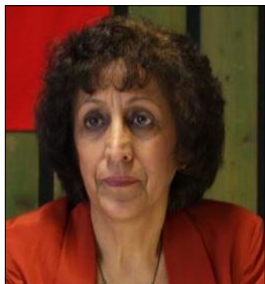
رویی است که اول مه برگزار شد. رژیم در جلوگیری از روز جهانی کارگر نیروی وسیعی را به خیابان ریخت. اما اول مه امسال يك شکست و يك باخت سیاسی برای رژیم اسلامی بود.

قطعنامه های روز جهانی کارگر، خواستهای فوری کارگران و کل جامعه

قطعنامه های اول مه کیفرخواست کارگران و کل جامعه علیه فقر و فلاکت و توحش سرمایه داری حاکم بود. به مناسبت روز جهانی کارگر قطعنامه ها و بیانیه های پرشوری از سوی تشکلهای کارگری، دانشجویان و از سوی زندانیان سیاسی دربند انتشار یافت. از جمله قطعنامه هایی از سوی کارگران شهر سقز، کارگران پروژه های پارس جنوبی، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری گیلان، جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ویژه ماهشهر و بندر امام، بخشی از کارگران محور تهران - کرج، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، تعدادی از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت، جمع هایی از دانشجویان در مازندران و دانشجویان دانشگاه آزاد دماوند منتشر شده است. همچنین کارگران زندانی از درون زندان همچون شاهرخ زمانی، محمد مولانایی، رضا شهابی، واحد سیده، یوسف آب خرابات، با بیانیه های پرشور خود ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

در این قطعنامه ها و بیانیه ها خواستههای فوری چون لغو مصوبه دولت مبنی بر دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی، متوقف شدن طرح قطع سوبسیدها (طرح کردن حمله به زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ اوین و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران

ادامه صفحه ۵



اول مه ۹۳

شهلا دانشفر

جنبش علیه اعدام است و کمپین برای نجات جان ریحانه جباری و ابعاد اجتماعی این حرکت بیانگر این حقیقت است. کارزاری که حتی به موضوع بحث داغی در درون خود حکومت تبدیل شده است.

و بالاخره مثال قابل توجه دیگرش مساله حجاب است و می بینیم که عملاً جامعه تا نفی عملی آن فاصله ای ندارد. تحت چنین شرایطی است که ما شاهد تحرکی گسترده تر از هر سال برای برگزاری روز جهانی بودیم.

در دل چنین کشاکشی صفوف درون حکومت نیز در هم ریخته تر از هر وقت است و نزاعهایشان بر سر پایه ای ترین مسائل دولت اسلامی هر روز بالاتر میگیرد. بحث بر سر حجاب و رودرویی روحانی و خامنه ای بر سر موضوع حجاب، کشاکش آنها بر سر طرح "اقتصاد مقاومتی" و دهها موضوع دیگر نمونه های بارز چنین کشاکشی است. رابطه با غرب هم که يك نقطه امیدشان بود، بی حاصلی خود را هر روز بیشتر نشان میدهد و خود خامنه ای از بی سرانجامی آن سخن گفت.

در دل چنین شرایطی است که رژیم اسلامی نگران از فرا رسیدن اول مه بود. از جمله حمله ددمنشانه به بند ۳۵۰ اوین عکس العملی از سوی رژیم در تقابل با این شرایط بود. اما این حمله با اعتراضی گسترده پاسخ گرفت. بطوریکه به ضد خود تبدیل شد و حتی ناگزیر به کنار گذاشتن اسماعیلی رئیس کل زندانهایشان و توضیح دادن به مردم در صدا و سیمای خود شدند.

رژیم برای جلوگیری از برگزاری يك روز اول مه گسترده و ریختن مردم به خیابانها، به هر راهی متوسل شد. از قبل فعالین

روز جهانی کارگر داده شد و موضوع چگونگی برگزاری این روز در مراکز مختلف کارگری مورد بحث فعالین کارگری بود. در جاهایی چون شهر ساهه کارگران به استقبال این روز رفتند و در آنجا هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا در مقابل اداره کار این شهر جمع شدند و پیگیر خواست لغو مصوبه دولت و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر ۶۰۸ هزار تومانی شدند. گوشه ای از این تحرکات را در بیش از یکماه برنامه های مستقیم کانال جدید میدیدیم. در دل چنین جنب و جوشی، ما شاهد قطعنامه های روز جهانی کارگر بودیم. قطعنامه هایی که از سوی تشکلهای مختلف کارگری و از درون زندانها انتشار یافت. تحرك بر سر برگزاری روز جهانی کارگر به عنوان يك روز مهم اعتراضی، گسترده تر از هر سال بود.

يك محور مهم بر پا شدن چنین فضایی از اعتراض و مبارزه اقتصاد فروپاشیده رژیم اسلامی و فشار سنگین آن بر کرده کارگران و کل جامعه است. از جمله برخورد مردم به طرح هدمند کردن یارانه های رژیم، و کوتاه نیامدن آنها در مقابل تبلیغات حکومت برای زدن همان چندرکاز یارانه نقدی بود که علیرغم همه تبلیغات دولتی برای انصراف مردم از ثبت نام برای آن، ۷۳ میلیون نفر ثبت نام کردند و با این کار خود نه بزرگی به حکومت و طرحهای اقتصادی اش گفتند.

نمونه دیگر فضای اعتراضی در مقابل مصوبه دولت مبنی بر تعیین حداقل دستمزدها ۶۰۸ هزار تومان بود. و ۴۰ هزار کارگر با طوماری اعتراضی در جلوی این اعتراض قرار دارند. نمونه دیگر جلو آمدن بیشتر

اول مه امسال، تصویری از وحشت رژیم اسلامی از تظاهرات گسترده کارگران و مردم بود. اول مه امسال، اول مه خیابان و اعتراض بود. فراخوان تشکلهای کارگری و گفتن ها همه جا بر سر آمدن به خیابانها و اعتراض سراسری بود. در اول مه امسال زبونی و استیصال رژیم را بیش از هر وقت میشد دید. در این روز رژیم اسلامی با نیروی کشی به خیابانها مانع تجمعات کارگران و مردم شد، چون میدانست که قرار و مدارها برای این روز گذاشته شده است و نیروی وسیعی به خیابانها خواهد آمد. اول مه امسال بیش از پیش زبونی و استیصال رژیم اسلامی را به نمایش گذاشت و يك باخت برای آن بود. اول مه امسال در عین حال نشانگر توازن قوای دیگری در سطح جامعه بود. توازن قوایی که در قبل از این روز در مبارزات هر روزه کارگران در کارخانجات مختلف و گسترش روزافزون آن و در واقع در فضای انفجاری کل جامعه بروزات آنرا به روشنی میشد دید. نگاهی مختصر به این شرایط و به آنچه در اول مه گذشت، به روشنی واقعیت اتفاق مهمی که در روز جهانی گذشت را نشان میدهد.

تحرکات گسترده بر سر اول مه

امسال جنب و جوش برای برگزاری روز جهانی کارگر گسترده تر از هر وقت بود. تشکلهای کارگری از مدتی قبل در تدارک این روز بودند. هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها فراخوان به تجمع در مقابل وزارت کار جمهوری اسلامی داده بودند. در شهرهای مختلف چون اصفهان، اهواز، شیراز، مشهد، شوش فراخوانهایی به مناسبت

از صفحه ۴

اول مه ۹۳

زندانی و زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، آزادی های وسیع اجتماعی از جمله حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بیان، آزادی تحزب، آزادی اعتراض، آزادی راهپیمایی، آزادی مطبوعات، بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان و بیمه بیکاری برای همگان، برابری زن و مرد در تمام سطوح اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، متوقف شدن فوری بیکارسازیها، رعایت بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط های کار، حقوق برابر شهروندی برای مهاجرین افغان، تامین یک زندگی شایسته برای بازنشتگان، منع کار کودکان، مورد تاکید قرار گرفته است.

در این قطعنامه ها همچنین سخن از اتحاد و همبستگی کارگران با بخش های مختلف طبقه کارگر، معلمان، پرستاران و سایر اقشار و بخش های این طبقه است و در آن بر همبستگی بین المللی کارگری تاکید شده است. قطعنامه های روز جهانی کارگر، خواسته های مشترک کارگران و کل جامعه است که گام بعدی متحد شدن حول این خواستهاست.

روز اول مه چه گذشت

اول صبح ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، علیرغم استقرار وسیع نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی، هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار امضا به همراه تعدادی از کارگران به مقابل وزارت کار رفتند تا روز جهانی کارگر را گرامی بدارند. سرکوبگران رژیم اسلامی که میدانستند مردم بسیاری قرار و مدار شرکت در تجمع در مقابل وزارت کار را گذاشته اند، در حالیکه پروین محمدی و شاهپور احسانی را در حال برافراشتن پلاکارد روز جهانی کارگر بودند، آنها را مورد حمله قرار داده و

در ساعت ده صبح این روز کارگران بسیاری از لوله سازی اهواز و کارخانجات دیگر برای گرامی داشت این روز به محل آمده بودند. در آنجا نیز رژیم اسلامی نیروهای سرکوبگرش را همه جا مستقر کرده بود.

کارگران لوله سازی شرکت نفت و کارگران لوله سازی خوزستان (که با وجودی که چند سال است کلا باز خرید و اخراج شده اند و کارخانه مدت زیادی است که تعطیل شده است هنوز حقوق های خود را نگرفته اند) و تعدادی از باز نشسته ها در مقابل استانداری محل تجمع کردند و حدود ۷۰۰ نفر جمع شدند و بطرف پل نادری حرکت میکنند. در آنجا نیروهای انتظامی را سد میکنند و در نهایت جمعیت به گروه های کوچکتر تبدیل شده و متفرق میشوند. نیروهای انتظامی می گفتند دولت مجوزی برای راه پیمایی نداده است. و شما مجاز نیستید تظاهرات کنید!!!!

در اصفهان نیز کارگران بازنشسته ذوب آهن و کارگران ذوب آهن فراخوان به تجمع مقابل استانداری داده بودند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم محل را قرق کرده و مانع برگزاری مراسم اول شدند. در تقابل با حضور نیروهای سرکوبگر کارگران تصمیم به بستن گردنه ذوب آهن گرفتند که در آن جا نیز با سد نیروی انتظامی رژیم روبرو شدند. کارگران ذوب آهن اصفهان که از آغاز سال جاری دستمزد نگرفته و بیمه درمانی آنها نیز قطع شده است، قرار و مدار اعتراض در روزهای بعد را گذاشتند.

یکی از فعالین کارگری از شهر شوش نیز در برنامه مستقیم کانال جدید گفت ما ۷ نفر فراخوان دادیم. رژیم هفت هزار نفر از اوپاش خود را بسیج کرد. چون میدانست فراخوان ما با استقبال کارگران و مردم روبرو خواهد شد.

اینها همه گوشه هایی از اتفاق مهمی است که در اول مه امسال افتاد و رژیم را چنین سراسیمه کرد. هنوز اخبار کامل روز جهانی کارگر انعکاس نیافته است. اما تا همین جا خبرها

حکایت از ابعاد گسترده تحرکات روز جهانی کارگر و نشانگر باخت رژیم اسلامی و استیصال و وحشتش از مردمی است که از فقر و گرانی و بی حقوقی و بیحرمتی به امان آمده و در انتظار فرصتی هستند که به جهنمی که رژیم اسلامی بر پا کرده است. پایان دهد.

بعد از اول مه

اولین قدم بعد از اول مه کارزاری سراسری برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر، جعفر عظیم زاده، جمیل محمدی، از رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران و کورش بخشنده، منصور محمدی و آرام در شهر سنجند و مبارزه ای قدرتمند برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان است.

گزارشی از تهران

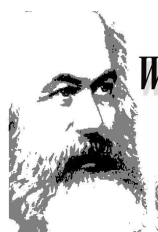
باران فروغ

آزادی این کارگران یعنی ارج گذاشتن به روز جهانی کارگر و همه خواسته های فوری ایست که برایش قطعنامه دادیم و بخاطرش فراخوان دادیم. آزادی این کارگران یک گام بزرگ برای گرفتن ابزار سرکوب از دست رژیم اسلامی و بازکردن درب زندانهاست.

همچنین قطعنامه های اول مه بطور واقعی پلاتفرم مبارزاتی کارگران و کل جامعه برای دور جدیدی از اعتراض در بعد از اول مه روز جهانی کارگر است. حول این خواستها متحد شویم و به تدارک اعتراضات گسترده و سراسری برویم. همانطور که اشاره کردم روز جهانی کارگر بطور واقعی آینه ای از توازن قوای امروز جامعه است. به استقبال اعتصابات سراسری کارگری برویم.*

خبر است مگر ما چه میخواهیم جز حق و حقوقمان؟ سعی کردم فیلمی از این صحنه ها بگیرم که بعدا میفرستم هرچند فضای راحتی برای فیلم گرفتن هم نبود. دوربین بدستان حکومتی از داخل ون ها مشغول فیلمبرداری از حرکت هر جنبه ای در اطرافشان بودند. موتور سوارهای یگان ویژه و ماشین هایشان مشغول در اطراف دور میزدند و سعی میکردند حتی جلو حرف زدن یا نزدیک شدن به معترضین را هم بگیرند.

مردم میپرسیدند مگر جنگی در کار است که اینهمه نیرو بسیج شده است؟ چرا لباس شخصی ها و عوامل نیروی انتظامی اینطور عصبانی هستند و با رهگذران بدرفتاری میکنند؟*



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wcpi.org

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

کارگران در برابر "سرمایه متدین"!

"قناعت و متانت دو ویژگی بارز کارگران است... در جامعه ایران، کارگران جزو متدینین هستند و این ویژگی آنان را از کارگران سایر کشورها، متمایز می کند." هاشمی رفسنجانی

هر سال در آستانه روز جهانی کارگر مقامات حکومتی هم بیاد کارگران می افتند و به زبان خاص خودشان به "تمجید و بزرگداشت" کارگر میپردازند. این زبان خاص عبارتست از زبان بین المللی همه سرمایه داران دنیا در لباس "اسلام عزیز"! رفسنجانی از قناعت و متانت اسلامی کارگران صحبت میکند. "قناعت کارگر" یعنی رضایت دادن به زندگی سه مرتبه زیر خط فقر و "متانت" او هم یعنی تحمل این شرایط بدون هیچ اعتراض و مبارزه ای! این نوع موعظه ها را در اظهارات مقامات و کارشناسان دولتهای سرمایه داری، در مذاکرات نمایندگان کارفرمایان با اتحادیه های کارگری و در تبلیغات رسانه های رسمی در همه کشورها بوفور میتوان مشاهده کرد. متانت و قناعت روپوش اخلاقی است بر تن سیاست ریاضت کشی اقتصادی و تحمیل فقر و بی حقوقی به کارگران!

در جمهوری اسلامی این قناعت و متانت اسلامیزه میشود: استثمار اسلامی، ریاضت کشی اسلامی، سرکوب اسلامی، و رانت خواری و چپاول و ثروت اندوزی مولتی میلیاردری اسلامی! ادعا میکنند ویژگی کارگران ایران "تدین" است. و با این ادعا قماق تحمیل و تفرقه افکنی و سرکوب مذهبی را هم وارد رابطه کار و سرمایه میکنند. ویژگی جامعه ایران تدین کارگر نیست، تدین حکومت است. کارگر مستقل از دین و مذهب به وحشیانه ترین وجه استثمار میشود، با بیکاری و گرانی و فقر دست و پنجه نرم میکند، از حق تشکل و اعتراض محروم است، رهبران و فعالینش صرفاً به جرم دفاع از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان دستگیر و زندانی میشوند و همه این بی حقوقیها و سرکوبیها بوسیله حکومت اسلامی و با توجیه قانون اساسی اسلامی، قانون کار اسلامی و قانون قصاص و مجازات اسلامی صورت میگیرد.

آنچه کارگران ایران را از سایر کشورها، متمایز می کند اینست که با "سرمایه داری متدین" روبرو هستند، سرمایه داری هار و چپاولگری که هاشمی رفسنجانی یک مظهر بارز آنست!

سکولاریسم، گام اول مذهب زدائی!

به اتفاق مردم ایران! باستانهای باندهای مافیائی حکومت، که برای چسبیدن به کیان اسلام دلایل چندین هزار میلیاردری دارند، همه مردم خواهان آن هستند که دست مذهب از دولت و قانون و از سیستم آموزشی و قضائی کوتاه بشود. همه مردم! اگر فقط "برخی" بودند مقامات ریز و درشت حکومتی یک روز در میان از سکولاریسم و از دست رفتن دین و مذهب نمی نالیدند!

این خواست همگانی خلع ید از مذهب، بر خلاف آنچه حکومت سعی میکند جلوه بدهد، نتیجه تبلیغات ماهواره ها و "هیجه فرهنگی" غرب و غیره نیست، بلکه نتیجه سه دهه سلطه سیاه مذهب بر

"برخی میخواهند در ایران حکومت سکولار تشکیل بدهند... متأسفانه در طول سه دهه اخیر شاهدیم که تلاشهای زیادی صورت گرفته است تا حکومت سکولار در جامعه رواج پیدا کند و ارزشهای آنان بر افکار و فرهنگ مردم حاکم شود... سکولار می خواهد جامعه را به سوی بی توجهی به اسلام ناب محمصلی سوق دهد." مشاور نماینده ولی فقیه در سپاه این "برخی" یعنی اکثریت قریب

زندگی اجتماعی و حتی خصوصی مردم است. بیش از سه دهه حاکمیت اسلام ماهیت ارتجاعی و ضد انسانی مذهب را عریان کرده و به یک گرایش قوی و گسترده ضد مذهبی در جامعه دامن زده است. سکولاریسم عامل سوق دادن جامعه به سوی "بی توجهی به اسلام ناب محمدی" نیست، برعکس سه دهه حاکمیت اسلام ناب محمدی است که جامعه را به سمت سکولاریسم سوق داده است. نه تنها سکولاریسم بلکه بیخدائی و رویگردانی از اسلام به سرعت در جامعه و در "ارزشها و افکار و فرهنگ مردم" در حال رشد است! یک حکمت "سکولار" شدن بخشی از ملی - مذهبی ها همین نگرانی

"ما معتقدیم آن کسی که عمداً و با برنامه انسانی را کشته و اساساً این امر برای او تبدیل به یک عادت شده، او دیگر از انسانیت خارج شده و دیگر انسان نیست و باید جامعه از وجود او پاک شود، همان طور که بدن انسان باید از وجود میکروب پاک شود. در واقع وقتی ما او را اعدام می کنیم یک انسان را اعدام نکرده ایم بلکه یک غیر انسان را اعدام کرده ایم. همین طور درباره حکم زنا می محصنه و از این قبیل." علی مطهری نماینده مجلس و عضو فراکسیون رهروان ولایت

این دفاع از اعدام خود بهترین اعتراف به ماهیت جنایتکارانه اعدام است. اعدام هر کس و به هر جرمی قتل عمد دولتی است و باید در همه کشورها ممنوع شود. اما در ایران آنکه برایش قتل انسانها تبدیل به یک عادت شده و بطور زنجیره ای آدم میکشد خود حکومت است. کشتار در زیر شکنجه (ستار بهشتی ها و زهرا کاظمی ها و ترانه موسوی ها) کشتار و ترور در خیابان (ندا آقا سلطانها و مختاری ها و پورینده ها) و بالاخره اعدامهای زنجیره

از تخته شدن دکان "اسلام ناب محمدی" حتی بعنوان یک امر شخصی و عقیده خصوصی است. نگران آن هستند که جنایات اسلام دولتی، کار و کسب هزار و چهار صد اسلام غیر دولتی را نیز تخته کند!

اما برای این نوع نگرانیها و تمهیدات کمی دیر شده است! جامعه ایران به مقطع تعیین تکلیف نهائی با ارتجاع و تحجر اسلامی، به پیروزی در نبردی که از

جمهوری اسلامی قاتل زنجیره ای است!

ای ده ها هزار نفر (هزاران نفر در تابستان ۶۷، صدها نفر در هر سال، و ۴ اعدام در روز در دوره ریاست جمهوری روحانی) تنها نمونه هایی از قتلهای زنجیره ای حکومت است.

وجه تمایز جمهوری اسلامی از سایر کشورهایی که در آنها هنوز مجازات ضد انسانی اعدام اعمال میشود اینست که در ایران قانوناً و رسماً و عملاً بیگناهان اعدام می شوند. در قانون مجازات اسلامی جزای "جرم" های زیر اعدام است. رابطه جنسی خارج از ازدواج یا همان "زنا محصنه"، ترک اسلام (ارتداد)، همجنسگرایی، دشنام و قذف (اتهام زنا) به انبیا و ائمه، اقدام علیه امنیت، نشر اکاذیب، دایر کردن مراکز فساد و فحشا (البته به استثنای فساد و فحشای شرعی نظیر صیغه و ازدواج با دختر بچه ها و حتی سوء استفاده جنسی از دختران شیرخواره و غیره) و ده ها "جرم" دیگری که با هیچ عقل و منطقی - بجز البته منطق و اخلاقیات متحجر جوامع عشیرتی ۱۴۰۰ سال قبل - جرم محسوب نمیشود! تا کنون ده ها هزار نفر بخاطر چنین جرمهایی بوسیله جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند.

آفتی که باید جامعه از وجودش پاک شود خود جمهوری اسلامی است!

انقلاب مشروطه تا امروز ادامه داشته است، نزدیک میشود. تعیین تکلیف نهائی با مذهب هم بعنوان یک امر دولتی و هم یک امر عقیدتی! حاکمیت کلیسا و پاپ در اروپای قرون وسطی به جنبش عظیم رنسانس و روشنگری دامن زد و به قطع دست کلیسا از دولت منجر شد و امروز در ایران اسلام و ولی فقیه این نقش را ایفا میکنند. جامعه ایران آستان یک رنسانس عظیم ضد مذهبی است.

تصاویری از برگزاری اول مه روز جهانی کارگر در نقاط مختلف دنیا



سنندج



سنندج



آلمان - هامبورگ



آلمان - هامبورگ



آلمان - برلین



فرانسه - لیون

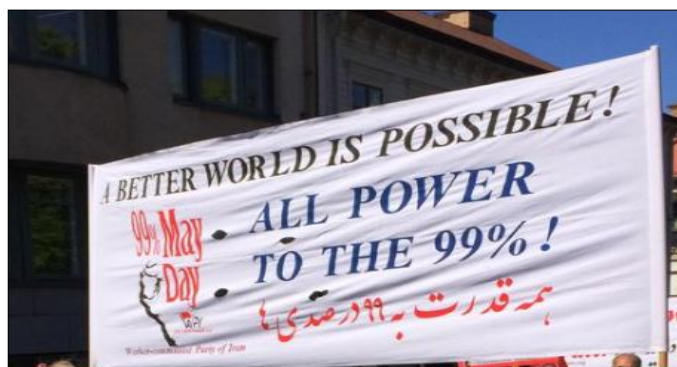


سوئد - مالمو



سوئد - مالمو

تصاویری از برگزاری اول مه روز جهانی کارگر در نقاط مختلف دنیا



تصاویری از برگزاری اول مه روز جهانی کارگر در نقاط مختلف دنیا



سخنرانی یوران گوستاوسن از فعالین کارگری در کشور سوئد در نشست اتحادیه ال او شعبه استکهلم در مورد کارگران زندانی در ایران



اطلاعیه شماره ۱۷۳

کارگر، صحبت در مورد کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران و تاکید بر خواست آزادی فوری آنان خواهد بود. در آخر این نشست تعدادی از حضار در کنار یوران گوستاوسن با در دست گرفتن عکس های از کارگران زندانی از جمله عکس شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی، همبستگی خود را با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران اعلام داشتند.

شعبه استکهلم اتحادیه "ال او" ۱۶۵۰۰ عضو دارد که تا کنون چندین بار با بیانیه های خود حمایت و پشتیبانی اش را از مبارزات کارگران و مردم ایران اعلام داشته است. همه کارگران زندان و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

۱۶ اردیبهشت ۹۳، ۲۶ آپریل ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Sorush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

روز ۲ اردیبهشت ۲۲ آپریل یوران گوستاوسن همکار "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در سوئد در نشست اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او)، شعبه استکهلم، طی سخنانی گزارش کاملی از حمله جنایتکارانه رژیم اسلامی به بند ۳۵۰ اوین و ضرب و شتم زندانیان سیاسی در این بند و نیز تشدید فشارها بر روی کارگران زندانی و رهبران کارگری و بطور ویژه در مورد وضعیت جسمانی وخیم شاهرخ زمانی داد و خواستار حمایت و پشتیبانی این اتحادیه از آنان و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شد. سخنان یوران گوستاوسن با استقبال شرکت کنندگان در جلسه روبرو شد و کارل پیتر تسوالدسون (Karl-Petter Thorvaldsson) دبیر این اتحادیه اعلام داشت که یکی از محور های سخنرانی وی به مناسبت روز جهانی

پروین محمدی، شاهپور احسانی راد آزاد شدند جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی همچنان در زندانند

اطلاعیه شماره ۱۷۷

محمدی باید فوراً آزاد شوند.

۴۰ هزار کارگر امضا کننده طومار اعتراضی بر سر خواست افزایش دستمزدها، نقش مهمی در آزاد کردن این رهبران خود از زندان دارند. از این کارگران و همه کارگران و مردم در ایران انتظار می رود که به هر شکلی که میتواند اعتراض خود را به این دستگیری ها اعلام کنند و خواستار آزادی فوری این دو فعال کارگری از زندان شوند. ما همچنین از تمامی سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار حمایت وسیع و گسترده و عکس العمل سریع در مقابل دستگیری این کارگران را داریم.

همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۱۰ مه ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Sorush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com



در اطلاعیه های قبلی به اطلاع رساندیم که امروز در گرامیداشت روز جهانی کارگر در تهران دو تن از رهبران کارگری به اسامی پروین محمدی و شاهپور احسانی راد در مقابل وزارت کار بازداشت شدند. همچنین در جریان برگزاری مراسم این روز از سوی کارگران سندیکای شرکت واحد در پایانه آزادی ۲۳ نفر دستگیر شدند. با کمال مسرت به اطلاع میرسانیم که پروین محمدی و شاهپور احسانی راد در ساعت ده شب ۱۱ اردیبهشت و دستگیر شدگان سندیکای واحد در حوالی ساعت ۴ عصر این روز آزاد شدند. آزادی آنها را به این کارگران، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگوییم.

گفتنی است دو تن دیگر از رهبران کارگران به اسامی جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی که از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها و از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، که در نیمه شب سه شنبه ۹ اردیبهشت بازداشت شده بودند، همچنان در زندان بسر میبرند. جعفر عظیم زاده و پروین

برگزاری مراسم باشکوه روز جهانی کارگر در سنندج



کارگری ایران

اول مه ۲۰۱۴ / ۱۱ اردیبهشت
۱۳۹۳

تبریک این روز به کارگران و مردم
سنندج ابتکار و کاردانی فعالین این
حرکت را ارج مینهد.
کمیته کردستان حزب کمونیست

بازداشت شده بودند، امروز خالد
حسینی و فردین میرکی نیز به اداره
اطلاعات احضار شدند.
کمیته کردستان حزب ضمن

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب
رسیده است امروز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت
ساعت ۷ بعد از ظهر مراسم و راهپیمایی
باشکوهی بمناسبت روز جهانی کارگر و با
شرکت کارگران و مردم سنندج برگزار شد.
جمعیت شرکت کننده با سر دادن شعارهای:
"نان مسکن آزادی"، "زنده باد اول ماه مه" و
با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آن
نوشته شده بود، جعفر عظیم زاده، جمیل
محمدی و همه کارگران بازداشت شده آزاد
باید گردند، از خیابان گلشن بطرف زندان
مرکزی شهر حرکت کردند.

علاوه بر این مسیر قرار بود در
سه نقطه دیگر شهر، خیابان
کشاورز، فرح و جام جم نیز تجمع و
راهپیمایی انجام شود که بدلیل
حضور نیروهای سرکوب رژیم انجام
آن در این سه محل میسر نشد.
همچنین علاوه بر فعالین کارگری که
طی چند روز گذشته احضار و یا

روز جهانی کارگر صدها نفر از کارگران اهواز راهپیمائی کردند!

شما نداده است جلو حرکت کارگران را
گرفتند و کارگران بتدریج متفرق شدند.
حزب کمونیست کارگری به کارگران
اهواز درود میفرستد و از همه مردم شریف
اهواز میخواهد که از کارگران و خواسته
های آنها دفاع کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲ مه ۲۰۱۴

طبق گزارشی که به حزب کمونیست
کارگری رسیده است، صدها نفر از کارگران
اهواز در روز جهانی کارگر دست به
راهپیمائی زدند. طبق این گزارش کارگران
ابتدا در مقابل استانداری جمع شدند و
سپس بطرف خیابان نادری حرکت کردند.
در این حرکت کارگران لوله سازی نفت،
لوله سازی خوزستان و تعدادی از
بازنشسته ها و همینطور تعدادی از
کارگران نیشکر هفت تپه که تعدادشان به
۷۰۰ نفر میرسید حضور داشتند. نیروهای
انتظامی جلو حرکت کارگران را سد کرده و
به بهانه اینکه دولت مجوز راهپیمائی به

سه نفر از فعالین کارگری سنندج بعد از راهپیمایی اول مه دستگیر شدند

کارگری در شهرهای مختلف در حال
افزایش است.
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران ضمن محکوم کردن این اقدام
سرکوب گرانه جمهوری اسلامی از همه
فعالین و تشکل های کارگری و مردم
آزادیخواه میخواهد با اعتراض و تجمع در
مقابل ادارات دولتی خواهان آزادی
دستگیر شدگان اول مه و همه زندانیان
سیاسی بشوند.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۹۳، ۱ مه ۲۰۱۴

بر اساس خبری که به کمیته کردستان
رسیده است بعد از راهپیمایی روز جهانی
کارگر در شهر سنندج سه نفر از فعالین
کارگری توسط نیروی انتظامی دستگیر
شدند. اسامی دستگیر شدگان عبارتند از:
۱. کورش بخشنده ۲. منصور
محمدی ۳. آرام
براساس همین منبع خبری نیروهای
انتظامی خواستند تعداد دیگری از فعالین
کارگری را دستگیر کنند. اما با ممانعت
مردم مواجه شده و تا رسیدن این خبر
موفق به دستگیری کس دیگری نشده اند.
در چند روز اخیر موج دستگیری فعالین

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

اعتراضات گسترده علیه حمله به بند ۳۵۰ اوین و درسهای آموزنده اش

شهلا دانشفر

زمینه های حمله رژیم اسلامی به بند ۳۵۰ اوضاع سیاسی ایران است. این حمله در آستانه اول ماه مه و تحرك گسترده بر سر برپایی آن و در فضای اعتراضی در محیط های کارگری و کل جامعه بود که اتفاق افتاد. از جمله فضای اعتراضی خود زندانها که به کانونهای داغ اعتراض تبدیل شده اند، پیامهای پرشوری که از درون زندانها و به مناسبتهای مختلف بیرون داده میشود و یکی از این زندانها بند ۳۵۰ است، همگی موجب هراس رژیم و زمینه های حمله ددمنشانه حکومت اسلامی به بند ۳۵۰ بود. هدف از این حمله زهر چشم گرفتن از زندانیان و ترساندن جامعه بود. اما با عکس العمل اعتراضی گسترده ای از سوی خود زندانیان و خانواده هایشان روبرو شد و انعکاس اجتماعی وسیعی پیدا کرد و هزینه بسیاری برای حکومت در بر داشت و برایشان گران تمام شد. اکنون آن تعداد از زندانیانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به انفرادی های ۲۴۰ منتقل شده بودند، به بند ۳۵۰ بازگردانده شده و رژیم اسلامی ناگزیر به برکناری اسماعیلی رئیس کل زندانهایشان شد. اینها همه عقب نشینی هایی بود که حکومت اسلامی را ناگزیر کرد فوراً موضوع را جمع و جور کند تا جلوی گسترش اعتراضات بر سر این موضوع که بطور واقعی شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را بیش از پیش به جلوی صحنه سیاسی جامعه بکشد، بگیرد و فضای اعتراض را ببواباند.

اعتراضات در برابر حمله ددمنشانه رژیم اسلامی به بند ۳۵۰ اوین درسته های آموزنده ای دارد که در اینجا میکوشم تا مروری مختصری بر آن داشته باشم.

در همان بند ۳۵۰ هنگامیکه جانباں اسلامی تحت عنوان بازرسی در اطاق شماره ۱ در مقابل اعتراض زندانیان، آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند، تعدادی از زندانیان سیاسی که در هواخوری بودند به اعتراض بلند شدند و شعار مرگ بر دیکتاتور و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر دادند. چنین واکنشی از جانب زندانیان برای رژیم يك هشدار بود. بعد از آن اعتراض بند ۳۵۰ اوین و سلولهای انفرادی را فراگرفت. زندانیان گوهردشت نیز اعلام همبستگی کردند. سپس تجمعات پی در پی خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین در مقابل دادرسی بازار، مجلس اسلامی و دفتر روحانی را شاهد بودیم. یکی از شعارهایی که در این تجمعات اعتراضی خانواده ها بدست گرفته بودند، شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود. حرف آنها نیز این بود که باید مقامات در قبال حمله ای که شده پاسخگو باشند. به عبارتی روشنتر حمله رژیم به بند ۳۵۰ اوین و اعتراضات در مقابل آن شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را بیش از پیش به جلوی صحنه سیاسی جامعه کشاند. اینجاست که در واقع رژیم بازنده بود.

در عین حال ما شاهد اشکال خودجوشی از اعتراض چون تراشیدن موی سر در همبستگی با آن تعداد از زندانیانی که به انفرادی منتقل شده بودند، بودیم. چون جمهوری اسلامی طبق سنتی قدیمی و ارتجاعی و برای تحقیر زندانیان، موی سر زندانیانی را که به بندهای انفرادی ۲۴۰ منتقل شده بودند، تراشید. این اقدام و حمله به آنان و ضرب و شتمشان با عکس العمل اعتراضی این زندانیان روبرو شد و اعلام به اعتصاب کردند. تعدادی از زندانیان بند

۳۵۰ و نه تنها این بلکه تعدادی از فعالین سیاسی خارج از زندان و حتی مادرانی از زندانیان سیاسی نیز با تراشیدن موی سر خود اعتراضشان را در همبستگی با آنان اعلام کردند. به گفته یکی از آنها میخواستند با اینکار بگویند که جلوی این سنت ارتجاعی و سرکوبگرانه بایستند و خبر این کار به صفحات فیس بوك کشیده شد.

همچنین يك هفته بعد از ضرب و شتمی که صورت گرفته بود زندانیان بند ۳۵۰ در همبستگی با زندانیانی که به انفرادی برده شده بودند، در هنگام هواخوردی در محوطه بند شروع به شعار دادن و سرود خواندن کردند و به این شکل اعتراض خود را به حمله وحشیانه به بند ۳۵۰ و ضرب و شتم تعدادی از همبندانشان به انفرادی اعلام داشتند. خواست فوری آنها بازگرداندن آنان به بند ۳۵۰ و مداوایشان بود.

در واقع عمل جنایتکارانه رژیم اسلامی خشم و اعتراض مردم را بیشتر دامن زد. در سطح جهانی نیز این خبر انعکاس بسیاری پیدا کرد. زیر چنین فشاری از اعتراض جمهوری اسلامی به چنان مخمصة ای افتاد که ابتدا اسماعیلی رئیس کل زندانهای جمهوری اسلامی که همه چیز زیر نظر او میگردد و قیاحانه این حمله را تکذیب کرد. علی مطهری از نمایندگان مجلس در تجمعی که خانواده های زندانیان سیاسی داشتند، این حمله وحشیانه را به عواملی خودسر که هدفشان زیر سؤال بردن دولت روحانی است، نسبت داد. او با این شکل میخواست دولت روحانی که در همین مدت روی کارآمدنش رکورد اعدام ها را شکسته است و ادامه طرحهای زمین مانده دولت های قبلی و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به

مردم بوده است را از زیر حمله مردم دور نگاهدارند. بدین ترتیب این رژیم که در کشتار های سال ۶۰ در نمازجمعه ها و منسبرهایشان رجزخوانی میکردند و کشتن کفار را لازم و امر دینی میخواندند. اکنون با برپا داشتن شو مسخره گفتگو با اسماعیلی رئیس کل زندانهایشان، ناگزیر از پاسخگویی به مردم شدند و مجبور بودند که بگویند مساله حمله نبوده است، موضوع بازرسی بندها و امری عادی بوده است و بعد هم با ردیف کردن يك مشت اکاذیب و مزخرفات، گفتند سیم کارت هایی بدست آورده اند که با آن زندانیان اخبار زندان را بیرون میداده اند و فتنه بوده است و غیره. اما عملاً در مقابل مردم در مقام پاسخگویی قرار گرفتند و ضعف و دستپاچگی شان را به روشنی میشد دید. ولی پخش همین اکاذیب نیز با اعتراض زندانیان روبرو شد و در درون زندان با شعار دروغگو، دروغگو، جوابشان را دادند. فردای آنروز نیز با دستپاچگی اسماعیلی را از مقام خود برکنار کردند. تا او را از جلو چشم جامعه و خانواده های خشمگین زندانیان سیاسی دور نگاهدارند. بدین ترتیب برکناری اسماعیلی در واقع يك عقب نشینی از سوی حکومت بود.

اما مردم عاملین این حمله را میشناسند و پیگیر اعتراض خود هستند و اعتراض آنان ادامه دارد.

درسهای آموزه این مبارزات کدامند

در جریان اعتراضاتی که علیه حمله ددمنشانه رژیم اسلامی به بند ۳۵۰ جریان یافت، نکات قابل توجهی وجود دارد که لازمست تاملی روی آنها داشته باشیم. بویژه در

جریان اعتراضاتی که خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ داشتند ما شاهد دو گرایش بودیم. یکی تلاشهای ملی اسلامی ها که تلاش میکردند دولت روحانی را از زیر حمله خانواده ها و جامعه بیرون بکشند را میدیدیم و دیگر گرایشی که خواست آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شعارش و خواستش است.

از جمله در جریان این اعتراضات می بینیم که بخشی از خانواده ها را به دیدار رفسنجانی که خودش یکی از جنایتکاران و مهره های اصلی این رژیم و از عوامل اصلی کشتارهای سال ۶۰ و سی و چند سال جنایت و سرکوب این رژیم بوده است، بردند که دادرسی کنند. او هم با اعلام حمایت از دولت روحانی، خانواده ها را به "کمیتة حقیقت یاب" حکومت حواله داد. در همین راستا سعی میکردند که رنگ ملی مذهبی به مبارزات خانواده ها که خواست آنها آزادی زندانیان سیاسی است بدهند و از روزه سیاسی سخن میگفتند. یا اینکه تعدادی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ بدنبال برکناری اسماعیلی رئیس زندانها هستند تحت عنوان اینکه نمیخواهند "ضد انقلاب" و دستهای نامرئی از این وضعیت سوء استفاده کنند، اعلام کردند که به اعتصاب غذای خود خاتمه میدهند و خواستار پیگیری موضوع از راههای "قانونی" هستند. ترسشان نیز خطر خارج شدن کنترل اوضاع و زیر ضرب رفتن کل نظام بود. چون اینها میخواهند در چهارچوبه های دعوای خودشان سهمشان را بگیرند و نه بس. نتیجه چنین تقلاهایی از جانب این گرایشات تفرقه در

اعتراضات گسترده علیه حمله به بند ۳۵۰ اوین و درسهای آموزنده اش

نیز در وضعیت جسمانی بدی بسر میبرد، میخواستیم که به اعتصاب غذایش پایان دهد و بداند که ما صدای اعتراض او پیگیر خواستهایش هستیم. خلاصه کلام اینکه راه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تجمعات اعتراضی ماست. راه مبارزه اعتراضات سراسری و گسترده ماست. راه مبارزه صدای این زندانیان در سطح جهانی بودن است. و راه مبارزه حفظ صف متحد اعتراضاتمان و ایستادن در مقابل گرایشهای راست و ملی اسلامی است که سعی میکنند مبارزات ما را در چهارچوب های قانونی، آنهم در چهارچوب قوانین جنایتکارانه جمهوری اسلامی به انحراف، تفرقه و فرسودگی بکشاند و در واقع برای جمهوری اسلامی وقت بخردند. با تمام قوا برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی به میدان بیاییم و صدای اعتراض آنان باشیم.*

غذا بردارد، بخاطر اینکه جانش در خطر است. بخاطر اینکه در کنار فشار شکنجه های رژیم اسلامی در زندان، اعتصاب غذا جسم و جان زندانی را برای همان اعتراضی که میخواهد به جلو برد فرسوده تر میکند. و حتی روی اعتراض او میتواند تاثیر منفی بگذارد. به همین دلیل وقتی که شاهرخ زمانی دست به اعتصاب غذا زد، یا رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده و زندانیان دیگر در اعتصاب غذا بودند، از مردم خواستیم که بیایند تا با کارزاری جهانی به این زندانیان اطمینان دهیم که ما در کنارشان هستیم و در برابر این فشارها می ایستیم و در سطح جهانی صدای اعتراض آنها خواهیم بود. از جمله ما به عنوان کمپین برای آزادی کارگران زندانی سعی کردیم صدای آنان باشیم. همین الان نیز از بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری که در جریان حمله به بند ۳۵۰ به انفرادی منتقل شده بود و اکنون

است. اما بد نیست در آخر اشاره ای هم به مساله اعتصاب غذای زندانیان به عنوان شکلی از اعتراض در مقابل سرکوبگری های رژیم داشته باشیم. ما همیشه گفته ایم که اعتصاب غذا راه نیست. همیشه گفته ایم که زندانی تحت فشار ناگزیر میشود به اعتصاب غذا روی بیاورد. همانطور که وقتی او را با ضرب و شتم به بند انفرادی میبرند، مجبور میشود با اعتصاب غذا عکس العمل اعتراضی خود را نشان دهد. اما ما مردم پاسخمان به این مساله چیست؟ روشن است که ما مردم باید با اعتراضمان و با حمایتمان فشار را از روی زندانی برداریم. از او بخواهیم دست از اعتصاب

بگذارد. طبعاً اینها خواستهای فوری آنها برای نجات جان زندانیان سیاسی بود. اما آنها همانطور که در پلاکاردهایشان نوشته بودند خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از زندان هستند. از جمله در یکی از تجمعاتی که خانواده های زندانیان سیاسی داشتند دو شعار توجه را جلب میکرد. یکی شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد که خواست کل جامعه است. دیگری شعار اوین شده فلسطین، دولت چرا نشستی که با این شعار هدف اینست که توکل کردن به دولت و چشم انتظار ماندن به راه حل های قانونی حکومت اسلامی که را به میان خانواده ها ببرد. قوانینی که پایه های کل سرکوب و ماشین جنایت رژیم

صفوف مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی، زندانیان دربند و کل جامعه برای خواست آزادی همه زندانیان سیاسی است. با این کار میخواهند خانواده ها را به خانه بفرستند و بعد هم بگویند اوضاع آرام شد. در کنار دیگر صحنه خانواده هایی را می بینید، زندانیانی را می بینید که خواستار آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان و لغو کل بساط قوه قضاییه و قوانین ضد جنایتکارانه این حکومت هستند. خانواده هایی که خواستهای فوری دارند و از جمله خواست اولشان محکوم کردن این حمله ددمنشانه است. خواست فوری دیگرشان برگرداندن زندانیانی که به انفرادی ۲۴۰ برده شده بودند،

گفتگوی یک کارگر با یک زن تن فروش

علیرضا کارگر

میکردم و وقتی جوابی نمیگرفتند، جوابم میکردند. تا اینکه گرسنگی بیجه هایم و مریضی پسر و وادارم کرد به این راه بیفتم. حالا نه معیشت دارم، نه امنیت دارم و نه حرمت. این آپارتمان که می بینی جای زنانی است مثل من که مجبورند خودفروشی کنند تا شکم خود و بیچه هایشان را سیر کنند. البته این را هم بگویم که همه اینها جلوی چشم سپاه صورت میگیرد. این خانه ها برای آنها شده يك ناندانی. باج خودشان را میگیرند و کاری به چیزی ندارند. یکی دیگر از همین خانه ها قرار است در نزدیکی های اینجا راه بیفتد. ۲۰ هزار تومان تا ۵۰ هزار تومان پول میدهند و هزار جور بی احترامی و بدبختی میکشیم. الان بیچه هایم پیش مادر پیرم است. توی يك خانه ای يك اطاق داشتیم وقتی فهمید کار و کاسبی من اینست عذرم را خواست. به من گفتند

برم. نمیدانید چقدر منقلب شدم، به او گفتم دوست محترم من خریدار سکس نیستم. من عاشق همسر و فرزندم هستم. متأسفم که اینطور با تو رفتار شده است. اشک میریخت و پریشان بود. در همان لحظه فکری به نظرم رسید. به او گفتم خانم از تو میخواهم کمی از وضعت برایم بگو، من هم پولی برای نان امشب به تو میدهم. با تعجب به من نگاه کرد و با ناباوری و ترس قبول کرد. بعد شروع به صحبت کردن کرد. گفت من دانشجو بودم. سال سوم دانشگاه بودم که با مردی ازدواج کردم و این شروع تباه شدن زندگیم شد. البته این را بگویم که او آدم بدی نبود. او معتاد بود و اعتیاد همه اراده و تصمیم را از او گرفته بود. آخرش هم گذاشت و رفت و من ماندم و سه بیچه قد و نیم قد. که کوچکترینشان بیماری قلبی دارد. به هر دری زدم. اما دستم به جایی بند نشد. هر جا هم میرفتم به چشم "بد" نگاهم

آپارتمانی خانمی را دیدم که گریه و شیون میکند و میگوید پولم را ندادند. مردم چه کنم. بسیار پریشان بود. بیم داشتم که خیلی به او نزدیک شوم. چون طبق اسلام من به او "نامحرم" بودم. دل به دریا زدم و جلو رفتم و پرسیدم خانم، خواهر من مشکل چیست؟ چرا گریه میکنی؟ گفت پولم را ندادند. اند. در جوابش گفتم میدانم درد چیست من هم ده ماه است که دستمزد را نگرفته ام. این درد تو تنها نیست. کارگران زیادی مثل من و تو با همین مشکل و بدبختی روبرویند. از او در مورد کارش سؤال کردم. بلافاصله گفت که تن فروش است. و بعد با التماس گفت بیا با من باش و هر قدر میخواهی به من پول بده تا حداقل يك تکه نان برای سه بیچه و مادر پیرم به خانه

از این سؤال به وجد آمدم و گفتم بله. تازه بچشان داغ شد و وقتی کارم تمام شد، یعنی حدود ساعت ۷ عصر بود که به من گفت من به تو برای يك هفته احتیاج دارم میتوانی بیایی؟ با خوشحالی گفتم حتما میایم. او هم پولی در آورد و گفت بیا دستمزد امروزت را بگیر تا دست خالی منزل نروی. آخر سر هم گفت اگر دوست داری جمعه شب با همسر و بیچه ات بیایید اینجا دور هم باشیم و با هم کانال جدید را ببینیم و شامی هم با هم بخوریم. از هم جدا شدیم و خوشحال و سر حال مسیر را گرفتم و پیاده بطرف منزل به راه افتادم. داشتم با خودم فکر میکردم کمی گوشت بخرم و بعد از مدتی با زن و بیچه ام غذایی بخوریم. در همین فکر و خیال ها بودم که یکباره مقابل

من يك کارگرم. عمدتاً کارم در پروژه های ساختمانی است و تخصص هم دارم. در شرکتی کار میکردم که بیکارم کردند و ده ماه حقوقم را هم ندادند. حالا در بدر دنبال کارم و مجبورم برای گذرانم هر روز به میدان بروم تا یکی کاری به من بسپارد. در هفته شاید سه روز کار پیدا کنم و از نظر اقتصادی دستم تنگ است. حتی مجبور شدم خانه ام را تخلیه کنم و الان در پردیس کرج با زن و بیچه ام در يك اطاق زندگی میکنیم. روز گذشته که مثل هر روز به میدان رفتم، يك کسی پیدا شد و نیروی کارم را خرید. در راه که میرفتم از وضع و حال پرسیدم. ماجرای زندگی ام را برایش گفتم و در ادامه از این در و آن در حرف زدیم. نیمه های بحث از من پرسید کانال جدید را می بینی،



گزارش کوتاهی از برگزاری تظاهرات علیه قوانین شریعه در انگلیس

در روز ۲۸ آوریل تظاهراتی از طرف چند سازمان ضد راسیستی و حمایت از حقوق زنان برگزار شد. سازمان یک قانون برابر برای همه یکی از برگزار کنندگان این تظاهرات بود.

این تظاهرات در مقابل انجمن وکلا بریتانیا در لندن برگزار شد تا طرفداری این انجمن از قانون تبعیض آمیز شریعه را محکوم کند.

مریم نمازی سخنگوی نهاد یک قانون برابر برای همه یکی از سخنرانان در این تظاهرات بود. او گفت:

"چه در سیستم قضایی انگلستان چه هر جایی دیگر جایی برای قوانین شریعه نیست.

از صفحه ۱۳

گفتگوی یک کارگر با یک زن تن فروش

ما نمیتوانیم شما را اینجا داشته باشیم. ناگزیر شدیم از آنجا بیرون بیایم و همین نزدیکی ها یک اطاق درب و داغان در زیرزمین یک خانه گیرم آمد. برای پول آن هم مانده ام. امشب یکی از همین الدنگ های سپاه این بدبختی را سر من آورد. بعنوان یک مشتری پیش من آمد و بعد از سوءاستفاده اش، گفت پولی در کار نیست. یکبار اشکم ریخت و وقتی از او پولم را خواستم. کارتتش را در آورد و گفت پاسدار است و اگر حرف زیادی بزنم، برایت دردسر میشود. بعد هم سه برادر پاسدار الدنگ دیگر مثل خودش را به جان من انداخت و دست آخر من را به این روز رها کردند.

را برای همسر تعریف کردم. احساس غریبی داشتیم. در عین اینکه گوشه ذهنم پیش دردهای آن زن و بسیاری از مردم مثل او بود. آن شب غذای خوبی خوردم و با بچه مان شاد بودیم.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود